



کمیته تفلیکس، فصل ششم را پایان سرپال پرمخاطب خود اعلام کرد

رسوایی اسپرسی خانه پوشالی را به هوا فرستاد

صفحه ۱۳

یادداشت امروز

جوانان انقلابی و دولت‌سازی اسلامی

■ سیدباصر جبرائیلی

اگر بپذیریم اصلی‌ترین دغدغه انقلاب اسلامی در عصر حاضر، «تشکیل دولت اسلامی» است، باید به این ۲ پرسش پاسخ دهیم که اول کدام موانع، میان حرکت انقلابی مردم ایران و هدف «دولت اسلامی» فاصله ایجاد کرده است؟ و ثانياً لازم بپیمودن این مسیر و کاهش آن فاصله کدام است؟ بلاترديد اگر میان نخبگان جریان انقلابی درباره پاسخ این پرسش‌ها اجماع وجود نداشته باشد، فرآیند حرکت به سمت دولت اسلامی دچار کندی و اخلاص خواهد شد.

باید گفت متأسفانه این اجماع تاکنون آنگونه که باید حاصل نشده و هرچند مباحثه‌کنندگان درباره چستی موانع اشتراک نظر دارند اما اولاً درباره کارکرد موانع و ثانياً پیرامون مسیری که باید برای رفع موانع و تدارک لازم تشکیل دولت اسلامی طی شود، اختلاف نظر وجود دارد.

همگان اتحاد نظر دارند که «لیبرالیسم»، دشمن و مانع اصلی تحقق دولت اسلامی است؛ چه، متفق‌القولیم که از آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، لیبرال‌ها با این نهضت زاویه داشته‌اند. آنها همواره به این گفته «فدریش هایک» معتقد بوده‌اند که «یک حکومت اقتدارگرا ممکن است بر اساس اصول لیبرالی عمل کند»، لذا با سلطنت پهلوی مشکلی منبای نداشتند و به شرط برخی «اصلاحات لیبرالی»، اصل آن را پذیرفته بودند اما از آنجا که تعارض لیبرالیسم با نظام اسلامی بسیار گسترده‌تر از تباین این مکتب با نظام سلطنتی است، مطالبه «اصلاحات لیبرالی» را به شکلی بسیار رادیکال‌تر در نظام اسلامی ادامه دادند.

ادامه در صفحه ۵

وزارت خزانهداری آمریکا آغاز اجرای «مادر تحریم‌ها» علیه ایران را اعلام کرد

■ گزارش «وطن امروز» از نقض مفاد برجام با اجرای تحریم کاتسا

چرا کاغذپاره شد؟



صفحه ۲

تیتربهای امروز

فرمانده سپاه در همایش بدون تراز:

کاتسا تحریم اقتصاد ایران است

صفحه ۲

حسین فدایی مسؤول دفتر بازرسی رهبری شد

صفحه ۲

جانشین ستاد اربعین ناچا خبر داد

پیش‌بینی افزایش ۲۰ درصدی زائران اربعین

صفحه ۴

تاملی بر بی توجهی توجیه‌ناپذیر «سینمای ما بزرگ‌ترها» به یکی از مهم‌ترین مخاطبانش می‌خواهم سر به تن دهه هشتادی‌ها نباشد!

صفحه ۱۳

کفیت نامطلوب هوا علاوه بر کلانشهرها دامن شهرهای جنوب و جنوب‌غربی را هم گرفت

چنبره «آلودگی» روی پایتخت

صفحه ۴

آگهی فراخوان

طرح ایجاد مرکز به نژادی، تکثیر و پرورش شتر

گسترش توسعه گری پر دیس

شرکت گسترش توسعه‌گری پردیس در نظر دارد طرح « ایجاد مرکز به نژادی، تکثیر و پرورش شتر » با خرید، پروراندی و فرآیند به نژادی ۲۰۰ نفر شتر در زمینی به مساحت ۱۰۰ هکتار در منطقه شکوهیه قم را از طریق این فراخوان به متقاضیان واجد صلاحیت فنی و مالی که تجربه مرتبط با این موضوع آگهی را دارند، واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان ذیصلاح که سابقه فعالیت در این حوزه (دامپروری، مرتع داری، به نژادی دام، پرورش شتر و ...) را دارند دعوت می‌شود برای کسب اطلاعات بیشتر و ارائه طرح پیشنهادی خود به نشانی:

تهران- خیابان کریمخان- خیابان نجات‌الهی جنوبی
خیابان لباف - پلاک ۱۳- طبقه سوم، کد پستی ۱۵۹۸۷۷۶۶۱۱
شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۹۰۷۲۴۰
حداکثر تا تاریخ ۹۶/۰۸/۲۵ مراجعه نمایند.

بن‌بست تورم...

■ عارف‌ابو■

مرکزی باشد تا بتواند خاستگاه‌ها و پیامدهای آن را بهتر منعکس کند. تا بدانییم این بداهه‌پردازی‌های بازار اخبار داغ و زودگذر اقتصادی، در چه میدانی در کمین آینده اقتصاد خانوار هاست.

در هفته‌های گذشته «کبر کمیجانی» قائم‌مقام بانک مرکزی، از تصمیم بانک مرکزی برای کاهش نرخ سود تسهیلات خبر داد و اعلام کرد این کار با یک وقفه زمانی، اجرایی خواهد شد. به دنبال توقف ۱۵ درصدی نرخ سود سپرده‌های بانکی، بسیاری از فعالان اقتصادی، معترض بودند بانک‌ها تسهیلات گران‌قیمت به تولید می‌دهند که قیمت محصولات تولیدی را گران می‌کند.

به دلیل مشکلات ساختاری که تا حد زیادی مرتبط با مقدمات فوق‌الذکر است، سیاست‌گذاران کشور همواره با چالش دوگانه رشد اقتصادی و کاهش تورم مواجه بوده‌اند و معمولاً روستای جمهوری، در دولت دوم خود، با هدف ایجاد رشد اقتصادی و رونق (هرچند موقت) به سیاست‌ها و اهدافی نظیر کنترل نرخ تورم توجه نداشتند. این خبر جدید را می‌توان در همین راستا فهم کرد. با اقدامات اخیر در جهت کاهش سود سپرده‌ها، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، پس از این مطلق گذشته دیگر از کنال جذب نقدینگی با نرخ سودهای جذاب نمی‌تواند مانع تورم دورقمی شود و از ابزار جایگزین مناسبی نیز برخوردار نیست. بنابراین مؤثرترین ابزار کنترل تورم در سال‌های اخیر، در دولت دوازدهم و با تغییر جهت به سمت رونق تولید و اشتغال دیگر قابل استفاده نخواهد بود و از این منظر تداوم روند نزولی تورم در ماه‌های اخیر بعید به نظر می‌رسد. اما باید دید آیا حقیقتاً نتیجه منطقی این بخشنامه‌ها رونق بخش تولید خواهد بود؟ آیا با در نظر نگرفتن بسیاری مسائل دیگر این رویکرد جدید پیامدهایی خلاف انتظار نخواهد داشت؟

بهرتر است این رویکرد ظاهراً معقول را در آینه سایر مولفه‌های اقتصادی و نهادی نگریست تا واقیعات آن روشن‌تر شود. به نظر می‌رسد با تمایل سیاست پولی دولت به سمت کاهش سود سپرده‌ها که شهرپرور گذشته در سقف ۱۵ درصد تثبیت شد، یحتمل سپرده‌های رسوب کرده، از حساب‌های سودآور با نرخ بالا خارج شده و با ریزش به حساب‌های جاری، آماده مصرف و تقاضا برای کالا و خدمات می‌شود. این مهم خود عاملی برای افزایش تورم، فارغ از هرگونه اثر ضد رکودی خواهد بود. در این وضعیت ممکن است بسیاری از موسسات مالی و اعتباری دچار بحران نقدی شوند و در آستانه ورشکستگی قرار گیرند، زیرا در قبال موقات و تعهدات پیشی گرفته از دارایی‌ها، امکان

در علم اقتصاد متعارف، بویژه آنچه در دانشگاه‌های ایران مرسوم است، برای سیاست‌گذاری اقتصادی ۲ رکن عمده سیاست‌های پولی و مالی را مدنظر قرار می‌دهند. طی تجربه سالیان متمادی بعد از انقلاب، سیاست‌گذاری دولت‌ها از این ۲ بازو جدا نبوده اما پرسشی که با توجه به تجربه تاریخی ۴۰ ساله انقلاب، برجسته می‌شود، این است که چرا با لحاظ این سیاست‌ها مبتنی بر الزامات علمی و گذر از صافی‌های آکادمیک، نتایج منطقی این تئوری‌ها عیناً به منصفه ظهور نرسیده؟ چرا نسخه‌های پیچیده‌شده بانک جهانی که دولت‌ها با کوس تخاصر، بر سر سفره خانوارها رونمایی می‌کردند، نتایجی خلاف امد عادت داشته؟ چرا این حجم از نقدینگی انباشت شده، اثر قطعی تورمی خود را به فتوای علم اقتصاد نمی‌گذارد؟ چرا تسهیلات تولید، غالباً وارد بر داری از ناکارآمدی و کوتاه‌مدتی شده و بعد از چندی، مصداق کان‌لم‌یکن شیثا مذکوراً شده است؟ بحث از تجربیات تاریخی مصداق این پرسش، در این مقال نمی‌گنجد، اما می‌توان به بیان این پاسخ خطر کرد که عدم التفات به مولفه‌های فرهنگی و نهادی زیربنایی، از قبیل اخلاقی اشتغال، ارزش‌های مدنی، پیچیدگی‌های افکار عمومی، حقوق مالکیت، ساختار بوروکراسی، فرهنگ اقتصادی و... نهادهای تصمیم‌ساز اقتصادی را به گسست و بی‌توجهی به واقیعات کف جامعه و جایگاه ایران در مناسبات جهانی و منطقه‌ای و امکانات و امتناعات متناسب با آن کشانده و در ورطه انتزاع‌گرایی و تئوری‌زدگی علم اقتصادی کشانده که قوام‌یافته از تجربیات تاریخی و اجتماعی کشورهای غرب سرمایه‌دار بوده است. عدم اجتهاد و مواجهه بویسا و وحی منزل انگاری آن ابزارهای مالی و پولی، چون مثل آب بر هاون کوبیدنی البته ۴۰ ساله، مصداق نقض اصل علیت بوده، چرا که از مقدمات صحیح و حساب شده توسط بزرگان علم اقتصاد (کذا!) نتایجی خلاف پیش‌بینی‌ها عاید شده. تجربه ۳ موج سیاست‌های تعدیل اقتصادی توسط ۳ دولت پس از جنگ، مصداق عینی این مدعاست. تجربیاتی که به موعد انتخابات، اسباب خیر و برکتی برای جناح مخالف بوده اما به محض عروج حمار قدرت از پل افکار عمومی، برده بندار روزمرگی و بی‌برنامگی و منافع زودگذر حزبی و جناحی، ایشان را به دامگه همان رویکردها و ابزارهای سابق، هرچند با تغییراتی تکنیکی و جزئی انداخت.

این مقدمات از این حیث ادا شد تا آینه‌ای تاریخی برابر خبری تازه اما جنجالی، از دارالخلافه بانک

ادامه در صفحه ۵